

نام: توفیق

نام خانوادگی: پروانه

شماره دانشجویی: ۴۰۰۴۴۰۲۴۰۰۸

ترجمه متن جرم شناسی

استاد: حاجی ده آبادی

از رایج‌ترین اشکال زن‌کشی در کشورهای غربی، طبق بررسی‌ها در پرونده‌های زن‌کشی توسط شریک جنسی است، برخی از الگوهای اضطرابی را نشان داده‌اند که بر اساس عوامل خطر مختلف طبقه‌بندی شده و در سطوح مختلف، مربوط به مرتکب، قربانی می‌باشد. هنگام اشاره به پیشگیری از زن‌کشی، از جنبه‌های مهم مورد توجه، ارزیابی خطر است.

ارزیابی خطر

ارزیابی خطر زن‌کشی روشی است که هدف آن پیشگیری است. طبق این اصل می‌توان از برخی موارد زن‌کشی جلوگیری کرد زیرا برخی از این قتل‌ها با تشدید خشونت، تهدید و سایر عوامل خطر مرگبار پیش می‌آیند. ارزیابی خطر باعث می‌شود تا وجود عوامل خطر و آسیب‌پذیری را تشخیص دهیم و ماهیت و ارتباط آنها را با خشونت تعیین کنیم. ارزیابی خطر را می‌توان با روش‌های اکچوئری انجام داد که فهرستی از عوامل خطر با هم جمع می‌شود و کل با عدد آستانه خاص مقایسه می‌شود که بالاتر از آن ریسک بالا در نظر گرفته می‌شود. این روش‌ها روش‌شناسی سطح مرجع «عینی» را امکان‌پذیر می‌کند، که تصمیم‌گیری‌ها بر آن اساس هستند. روش‌های دیگر، مانند رویه‌های ساختارهای حرفه‌ای - برای مثال، SARA (ارزیابی خطر حمله به همسر) - بر اساس تجزیه و تحلیل وجود یا عدم وجود عوامل خطر است. کمپبل و همکارانش در مطالعه خود دریافتند که شاخص‌های کمی را می‌توان به عنوان شاخص‌های خاص خشونت‌کشنده در نظر گرفت.

پیشگیری اولیه برای به چالش کشیدن فرهنگ مردسالارانه

پس از بررسی مرگ و ارزیابی خطر، تمرکز این بخش بر سایر اشکال پیشگیری با هدف ایجاد تغییرات فرهنگی و ساختاری است. چنانچه بیان شد، پیشگیری از زن‌کشی موضوعی پیچیده است که باید از چند راه بررسی شود. تا به امروز، نویسندگان سه سطح پیشگیری را تعیین کردند: اولیه - جلوگیری از مشکل قبل از وقوع. ثانویه - هدف قرار دادن مشکل در علائم اولیه؛ و سطح سوم - هدف قرار دادن جمعیت‌هایی که مشکل دارند. نویسندگان با یادگیری از حوزه‌های دیگر، مانند بهداشت و پیشگیری از جرم، پیشگیری را به دو سطح دیگر گسترش داده‌اند. در ابتدا، سطحی از پیشگیری اولیه - ایجاد فرهنگ و عادات زندگی که در آن احتمال بروز مشکل وجود دارد. در انتها، پیشگیری چهارقسمت دارد - یعنی پیگیری پیشگیری سوم، که هدف آن اثبات پایداری کیفیت زندگی ممکن است. با در نظر گرفتن زن‌کشی به‌عنوان شکلی کشنده از کنترل مردسالارانه بر زندگی زنان، وظیفه پیشگیری از زن‌کشی «همراه با وظیفه‌ای که فمینیست‌هایی که در دهه 1970 در مورد خشونت علیه زنان کار می‌کردند» دارد. از این نظر، خشونت مردانه نوعی از تسلط مردانه بر اساس عدم تعادل قدرت در روابط توضیح داده می‌شود که در جامعه مردسالار نشان داده شده است. اطلاعات مربوط به زن‌کشی، فرهنگ غالبی را نشان می‌دهد که زنان هنوز «مصرف‌پذیر» در نظر گرفته می‌شوند. تحلیل‌های فمینیستی خشونت علیه زنان بر ساختار روابط فرهنگ، قدرت و جنسیت مردانه متمرکز است. توضیحات فمینیستی خشونت علیه زنان، ترتیبات اجتماعی

و قدرت جنسیتی را محوری می دانند. زن کشی اشکال مختلفی دارد، برای مثال: 1. زن کشی نژادپرستانه (زنان سیاه پوست توسط مردان سفیدپوست کشته می شوند). 2. زن کشی همجنس گرا، یا لزبین کشی، (لزبین ها توسط مردان دگرجنسگرا)؛ 3. زن کشی زناشویی (زنانی که توسط شوهرانشان کشته می شوند). 4. زن کشی سریالی. 5. زن کشی دسته جمعی (از جمله انتقال عمدی ویروس HIV توسط متجاوزین). 6. موقعیت هایی که زنان اجازه دارند در نتیجه نگرش های زن ستیز یا اعمال اجتماعی بمیرند (نقاط جنسی زنان، سقط جنین غیرقانونی). 7. نوزاد کشی دختر. 8. جراحی کشنده غیرضروری (هیسترکتومی و کلیتوریدکتومی). همانطور که نیشن و همکارانش تأیید می کنند، پیشگیری کامل یعنی مجموعه ای از مداخلات برای رسیدگی به پیش سازهای مشکل، و گسترش آنها برای پیشگیری اولیه است. برای استراتژی های جامع، دو بعد - مداخلات متعدد در محیط های چندگانه برای رسیدگی به مشکل باید در نظر گرفته شود. شناخت ناهنجارگرایی به عنوان بعد سرکوبگر جامعه مردسالار می تواند درک اشکال خاصی از زن کشی، یعنی زن کشی و لزبین کشی همجنسگرایی را تسهیل کند. نویسندگانی مانند Marcela Lagarde y de Los Ríos، بر ماهیت قابل اجتناب این جنایت، به عنوان پیامد بی توجهی دولت نسبت به حقوق بشر زنان تأکید کرده اند. لاگارد با تأکید بر بی توجهی دولت، این جرم را (زن کشی) femicidio می نامد، که در قوانین جزایی مکزیک، نیکاراگوئه، جمهوری دومینیکن و برزیل پذیرفته شده است. بسیاری از زن کشی ها یا تلاش برای زن کشی، تاریخ های مرگ های پیش بینی شده است. پس، می توان ابعادی را در پایه این تلفات شناسایی کرد. عوامل فرهنگی زن کشی در جامعه جا افتاده است و بر طبقات، قومیت، مذهب یا منطقه ای از جهان است. مالکیت جنسی مردانه و این احساس مردانه مبنی بر اینکه آنها حق دارند آنچه را که از زنان می خواهند به دست آورند از جمله موضوعاتی هستند که باید در پیشگیری - به چالش کشیدن مبنای فرهنگی زن کشی هدف قرار گیرند. استراتژی جامع برای ریشه کن کردن زن کشی نیز باید بر رسیدگی به نابرابری جنسیتی و بهبود وضعیت زنان تمرکز کند. در برخی کشورها، ارتقای جایگاه زنان عملاً با افزایش خشونت کشنده همراه بوده است. برخی دیدگاهها مخالف راهبرد پیشگیری چالش برانگیز جامعه و فرهنگ مردسالار می باشند. اما، بدون نادیده گرفتن مطالعات تحقیقاتی، هنگام در نظر گرفتن فرهنگ جامعه در یک زمینه تاریخی گسترده تر، باید بیان کرد که تغییرات در موقعیت اجتماعی زنان فقط منشأ اخیر دارد.

توسعه تحقیق، کنشگری و مداخله

هدف اساسی پژوهش، ارائه درک و ابزارهایی برای کاهش بروز مشکل اجتماعی است. برخلاف دههها «نامرئی» نسبی، تحقیقات در مورد زن کشی در سالهای اخیر بیشتر شده است. اما، برای درک بالا، تحقیقات بیشتری نیاز است. این امر نه تنها باید ماهیت کمی داشته باشد، بلکه باید دیدگاه جامع تری را نیز در بر گیرد. برخی از نویسندگان همچنین بر ارتباط مهم تقسیم بندی داده ها بر این اساس، یعنی در رابطه با قومیت، "نژاد"، وضعیت

تاهل و سن تاكيد مي كنند. تحقيقات كيفي و عميق اين پتانسيل را دارد كه فرآيندهاي پيچيده و در هم تنيده بين زندگي انسان ها، و همچنين روابط ساختاري قدرت و الگوهاي تغييرات اجتماعي را روشن كند.